



# مدرسان شریف

## فصل اول

### «کلیات راهنمایی و مشاوره»

#### تعاریف و ضرورت راهنمایی و مشاوره

##### تعاریف راهنمایی

ارائه تعریف جامعی که مورد تأیید همه علمای این رشته باشد، امکان‌پذیر نیست و هر صاحب‌نظری براساس اعتقاد و نگرش خود راهنمایی را به‌نوعی تعریف می‌کند. راهنمایی به معنی دلالت، هدایت و راهبری کردن است. راهنمایی به‌طور مطلق و با شیوه‌ای یکسان برای همگان قابل اعمال نیست. راهنمایی به‌عنوان یک مفهوم نظری عبارت است از کمک به فرد در زمینه مشخص و از دیدگاه معینی. راهنمایی به‌عنوان یک امر تربیتی، مجموعه تلاش‌ها و کوشش‌هایی است که مراجعان را در شناخت هنر خویش در تمامی ابعاد وجودشان یاری می‌دهد. راهنمایی از حیث یک خدمت تربیتی به مجموعه روش‌ها و فرایندهایی اطلاق می‌شود که از طریق ایجاد رابطه میان یاری‌دهنده و مراجع، در نهایت به حل مشکل او می‌انجامد.

**نکته ۱:** راهنمایی با افزایش رشد در همه جوانب، فرد را یاری می‌دهد تا آگاهانه تصمیمات مناسبی اتخاذ کند.

راهنمایی فرایند یاری‌دهنده‌ای است که از طریق سلسله فعالیت‌های نظام‌مند و سازمان‌یافته به رشد متعادل و همه‌جانبه انسان می‌انجامد و موجبات بهره‌گیری از حداکثر توانایی‌های بالقوه فرد در نظام آموزش و پرورش را فراهم می‌آورد. از این دیدگاه راهنمایی و آموزش و پرورش تفکیک‌ناپذیرند و راهنمایی، رشد دانش‌آموزان را تسریع و تسهیل می‌کند. برای روشن‌تر شدن موضوع، اجزای تعریف فوق مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- **راهنمایی فرایند یاری‌دهنده‌ای است.** همان‌طور که از معنای کلمه فرایند برمی‌آید، این موضوع امر مداوم و مستمری است و به همین اعتبار انجام عمل راهنمایی در تمام مقاطع سنی و تحصیلی محرز و ضروری است.

۲- **راهنمایی از یک سلسله فعالیت‌ها تشکیل می‌شود.** همان‌گونه که معلم با انجام یک سلسله فعالیت‌های به‌هم‌پیوسته به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان می‌پردازد، راهنما نیز از طریق مجموعه فعالیت‌هایی که توسط خود او و افراد دیگر انجام می‌پذیرد، فرد را در نیل به هدف یا اهدافش یاری می‌دهد.

۳- **فعالیت‌های راهنمایی نظام‌مند و سازمان‌یافته هستند.** داشتن نظم و سازمان در راهنمایی، باعث صرفه‌جویی در وقت و نیز موجب پیش‌بینی عواقب کار می‌گردد. انجام راهنمایی به برنامه معین و مشخصی نیاز دارد و از اصول و ضوابطی مشخص پیروی می‌کند.

۴- **راهنمایی به رشد متعادل و همه‌جانبه انسان می‌انجامد.** انسان موضوع راهنمایی است. از طریق راهنمایی به فرد کمک می‌شود تا در تمام ابعاد وجودی به رشد متعادل و هماهنگی دست یابد.

۵- **راهنمایی موجب می‌گردد که فرد حداکثر استفاده را از توانایی‌های بالقوه‌اش ببرد.** تمام انسان‌ها کم‌وبیش از توانایی بالقوه در زمینه‌های متفاوتی برخوردارند و تأکید اصلی راهنمایی بر شکوفایی و به فعلیت در آوردن آنها در جهت مطلوب و مناسب است.

۶- **راهنمایی و آموزش و پرورش از یکدیگر غیرقابل تفکیک هستند و استفاده از راهنمایی، آموزش و پرورش را مؤثرتر و کارآمدتر می‌سازد.** آموزش یا تعلیم و یاد دادن عبارت است از انتقال نگرش‌ها، دانش و یا مهارت به یادگیرنده. پرورش به معنی تربیت، تغییر و دگرگون‌سازی است و اغلب با ارزش‌ها ارتباط پیدا می‌کند. همان‌طور که گفته شد، آموزش و پرورش و راهنمایی لازم و ملزوم هستند و تفکیک آنها ممکن نیست. آموزش وسیله‌ای برای پرورش محسوب می‌شود. در جریان آموزش و پرورش همواره راهنمایی فرد مدنظر است و از راهنمایی به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف آموزش و پرورش استفاده می‌شود. در تبیین مفهوم راهنمایی و سیر تحولی آن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- راهنمایی به معنای تعلیم و تربیت

۲- راهنمایی به معنای هدایت فرد به زمینه مناسب تحصیلی و شغلی سازگار با محیط اجتماعی

۳- راهنمایی به معنای کمک به فرد برای شناخت خود و جهان اطراف.



## تعاریف مشاوره

مشاوره به معنی همکاری کردن و رأی و نظر دیگران را در انجام کاری خواستن است.

مشاوره فعالیتی است که در آن یک فرد کمک‌کننده و فردی دیگر دریافت‌کننده کمک است. مشاوره طی فرایند کمک‌رسانی انجام می‌شود که در آن، یاری فرد مشاور به توانمندسازی مراجع منجر می‌گردد، به‌گونه‌ای که توانایی یافتن راه‌حل مشکلات خود را بیابد و پس از اتمام جلسات مشاوره، بتواند قابلیت‌های خویش را در حل مسائل آینده خود نیز به کار ببرد.

هرگاه فرد در جریان رشد، سازگاری، تصمیم‌گیری، تعامل اجتماعی و موقعیت‌های تحصیلی، شغلی و خانوادگی با مشکل روبه‌رو شود، از خدمات مشاوره‌ای استفاده می‌کند. ماهیت مشاوره و دامنه آن را می‌توان در این تعاریف مشاهده کرد:

۱- مشاوره به معنای تسهیل رشد؛ ۲- مشاوره به معنای کمک به سازگاری؛ ۳- مشاوره به معنای کمک به تصمیم‌گیری؛ ۴- مشاوره به معنای کمک به بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی؛ ۵- مشاوره به معنای کمک به تغییر رفتار مراجع.

**مشاوره به معنای تسهیل رشد:** از نظر **بلاکر**، مشاوره فرایندی است که به فرد کمک می‌کند تا بر موانع رشد فائق آید و از فرصت‌های تربیتی و اجتماعی برای رسیدن به مراحل بعدی رشد خود، استفاده کند. از نظر **بلکه‌هام**، مشاوره رابطه منحصره‌فردی است که در آن به افراد فرصت‌های مناسبی برای احساس کردن، تجربه کردن، یاد گرفتن، فکر کردن و تغییر کردن داده می‌شود. **شرترز** و **استون**، مشاوره را فرایند دوجانبه‌ای می‌دانند که شناخت معنی‌دار از خود و محیط را تسهیل می‌کند و موجب شناخت و کشف اهداف و ارزش‌های مربوط به آینده می‌شود.

**مشاوره به معنای کمک به سازگاری:** **بلاکر** معتقد است، در رابطه مشاوره‌ای به مراجع کمک می‌شود تا مجموعه رفتارهای موردنیاز را کسب کند و بتواند با تقاضاها و انتظاراتی که از نقش‌های تازه ناشی می‌گردد، سازگار شود.

**مشاوره به معنای کمک در تصمیم‌گیری:** **گیبسون** و **میشل** مشاوره را نوعی رابطه یاورانه بین مشاور و مراجع می‌دانند که بر نیاز مراجع به رشد، سازگاری، تصمیم‌گیری و حل مشکل تکیه دارد. در این رابطه به مراجع کمک می‌شود تا از طریق انتخاب راه‌حل‌های بامعنا و سنجیده و از طریق حل مشکلات عاطفی و تبادل به اهداف موردنظر خویش برسد.

**مشاوره به معنای کمک به بهبود در روابط اجتماعی با دیگران:** **پاترسون** مشاوره را فرایندی برای کمک به افراد می‌دانست تا راه‌حلی برای مشکل تصمیم‌گیری، حالات هیجانی و روابط خود بیابند. در این دیدگاه به فرد کمک می‌شود تا برای رفتارهای خود معنایی بیابد و اهداف و ارزش‌هایی را برای رفتار آینده خود در نظر بگیرد.

**مشاوره به معنای کمک به تغییر رفتار مراجع:** مشاوره یک رابطه دوجانبه است که در آن مراجع، مشکلات رفتاری خود را که به‌تنهایی قادر به حل آنها نیست، برای مشاوره باصلاحیت و دارای تجربه علمی و عملی مطرح ساخته و از او کمک می‌گیرد.

از نظر **پاترسون**، مشاوره جریانی است که در آن وجود ارتباط خاص بین مراجع و مشاور ضرورت دارد. مراجع معمولاً با مسئله و مشکل عاطفی مواجه است و مشاور در ارائه راه‌حل برای مشکلات عاطفی تخصص دارد. مشاور از طریق برقراری رابطه مشاوره‌ای، به مراجع کمک می‌کند تا راه‌حلی برای مشکلش پیدا کند. پاترسون مشاوره را یکی از خدمات راهنمایی می‌شمارد و ارائه اطلاعات صرف و پند دادن و تلقین عقاید را مشاوره به حساب نمی‌آورد؛ زیرا در این موارد ارتباط مشاوره‌ای که لازمه درمان است، وجود ندارد و مشاور صرفاً افکار و عقایدش را برای دیگری بیان می‌کند.

به نظر **آرباکل**، مشاوره فرایندی تخصصی بین مراجع و مشاور است که طی آن، مراجع با کمک مشاور به بررسی و حل مشکلش اقدام می‌کند و به خودآگاهی دست می‌یابد.

به عقیده **دینگ مایر**، مشاوره جریان فعال و پویایی بین مراجع و مشاور است که طی آن، مراجع نحوه برقراری ارتباط با دیگران، شیوه‌های معقول ارضای نیازها، شناسایی احساسات ناشناخته خود و کسب اطلاعات وسیع درباره خویش را به دست می‌آورد. طبق این دیدگاه، اعتقادات، نگرش‌ها، رفتار و در نهایت شیوه زندگی فرد از طریق مشاوره دگرگون می‌شود.

به اعتقاد **رابینسون**، از طریق مشاوره، سازش مراجع با خود و دیگران و نیز مسئولیت‌پذیری و بلوغ عاطفی وی افزایش می‌یابد.

به نظر **گوستاد**، مشاوره رابطه آموزشی بین مراجع و مشاور است که در آن بر یادگیری تأکید می‌شود. این جریان مشاوره از سه مورد لازم تشکیل شده است: در مرحله اول، **حضور مراجع و مشاور و تعامل بین آنها** اهمیت ویژه‌ای دارد. طبق این دیدگاه، مراجع کسی است که مشکل روانی دارد و خودش قادر به حل آن نیست و مشاور فردی است که در حل مشکلات روانی تخصص دارد. دومین مورد ضروری برای انجام مشاوره، **داشتن هدف** است. هدف‌های مشاوره متنوع‌اند و به موضوع مشاوره و وضعیت مراجع و مشاور بستگی دارند. سومین مورد لازم برای انجام مشاوره، **توجه به اصول یادگیری** است. تمام نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی به‌نوعی با این اصول سروکار دارند. یکی از اهداف مهم مشاوره آن است که به مراجع رفتار جدیدی آموخته شود.

**نکته ۲:** طبق موارد بیان‌شده، می‌توان گفت که رفتار آموختنی و در نتیجه تغییرپذیر است و مشاوره به‌خودی‌خود یک موقعیت آموخته است.



به نظر مک‌دانیل، مشاوره یک سری تماس‌های حضوری و مستقیم با مراجع است که هدف آن، ارائه کمک برای سازش دادن مؤثرتر مراجع با خود و محیطش است.

به عقیده ویلیامسون، مشاوره فرایندی آموزشی است که به رشد شخصیت می‌انجامد.

با بررسی تعاریف مختلف، می‌توان نتیجه گرفت که در مشاوره - به‌عنوان یک فعالیت تخصصی- به تجزیه و تحلیل مشکل و یافتن راه‌حل‌های مناسب مبادرت می‌شود. مراجع از طریق گفتگو با مشاور در یک جو مملو از تفاهم، خود را بهتر و بیشتر می‌شناسد، چگونگی تصمیم‌گیری را می‌آموزد و سرانجام راه‌حلی برای مشکلش پیدا می‌کند. مشکل مراجع ممکن است در زمینه‌های عاطفی، اجتماعی، ذهنی، اخلاقی، خانوادگی، تحصیلی یا شغلی باشد. مشاور باید محیطی مملو از درک، همدلی و تفاهم به وجود آورد تا مراجع احساس آرامش و امنیت کند و مسائل خود را صادقانه مطرح سازد. از این‌رو، در مشاوره اولاً برقراری تعامل و رابطه مداوم و هدف‌دار بین مراجع و مشاور ضروری است؛ ثانیاً هدف غایی، اتخاذ تصمیمی معقول و منطقی است که با نیازها و امکانات شخصی و اجتماعی مراجع سازگار باشد.

**کج مثال ۱:** به عقیده ..... ، مشاوره جریان فعال و پویایی بین مراجع و مشاور است که طی آن، مراجع نحوه برقراری ارتباط با دیگران، شیوه‌های معقول ارضای نیازها، شناسایی احساسات ناشناخته خود و کسب اطلاعات وسیع درباره خویشتن را به دست می‌آورد.

(۱) گوستاد (۲) دینک مایر (۳) راجرز (۴) گلدارد

**پاسخ:** گزینه «۲» به عقیده دینک مایر، مشاوره جریان فعال و پویایی بین مراجع و مشاور است که طی آن، مراجع نحوه برقراری ارتباط با دیگران، شیوه‌های معقول ارضای نیازها، شناسایی احساسات ناشناخته خود و کسب اطلاعات وسیع درباره خویشتن را به دست می‌آورد. طبق این دیدگاه، اعتقادات، نگرش‌ها، رفتار و در نهایت شیوه زندگی فرد از طریق مشاوره دگرگون می‌شود.

**کج مثال ۲:** کدام یک از موارد زیر جزو الزامات اصلی جریان مشاوره از دیدگاه گوستاد نیست؟

(۱) حضور مراجع و مشاور و تعامل بین آنها  
(۲) داشتن هدف  
(۳) توجه به اصول یادگیری  
(۴) توجه مثبت نامشروط به مراجع

**پاسخ:** گزینه «۴» از نظر گوستاد، مشاوره رابطه آموزشی بین مراجع و مشاور است که در آن بر یادگیری تأکید می‌شود. این جریان مشاوره دارای سه هدف مهم است: در مرحله اول، حضور مراجع و مشاور و تعامل بین آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. طبق این دیدگاه، مراجع کسی است که مشکل روانی دارد و خودش قادر به حل آن نیست و مشاور فردی است که در حل مشکلات روانی تخصص دارد. دومین مورد ضروری برای انجام مشاوره، داشتن هدف است. هدف‌های مشاوره متنوع‌اند و به موضوع مشاوره و وضعیت مراجع و مشاور بستگی دارند. سومین مورد لازم برای انجام مشاوره، توجه به اصول یادگیری است. تمام نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی به‌نوعی با این اصول سروکار دارند و یکی از اهداف مهم مشاوره آن است که به مراجع رفتار جدیدی آموخته شود.

**کج مثال ۳:** کدام گزاره مطابق با تعریف آرباکل از مشاوره است؟

(۱) مشاوره فرایندی آموزشی است که به رشد شخصیت می‌انجامد.  
(۲) مشاوره یک سلسله تماس حضوری بین مشاور و مراجع در جهت سازگاری مراجع با دیگران است.  
(۳) مشاوره جریان فعال و پویایی بین مراجع و مشاور است که طی آن، مراجع نحوه برقراری ارتباط با دیگران را فرا می‌گیرد.  
(۴) مشاوره فرایندی تخصصی بین مراجع و مشاور است که طی آن، مراجع با کمک مشاور به بررسی و حل مشکلش اقدام می‌کند و به خودآگاهی دست می‌یابد.

**پاسخ:** گزینه «۴» به نظر آرباکل مشاوره فرایندی تخصصی بین مراجع و مشاور است که طی آن، مراجع با کمک مشاور به بررسی و حل مشکلش اقدام می‌کند و به خودآگاهی دست می‌یابد.

### تفاوت‌های مشاوره با راهنمایی و روان‌درمانی

#### تفاوت‌های راهنمایی با مشاوره

مشاوره با راهنمایی تفاوت دارد. راهنمایی مفهوم وسیعی دارد و تمام برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که برای کمک به فرد تهیه می‌شوند؛ درحالی‌که مشاوره یکی از خدمات و تکنیک‌های خاص راهنمایی است و اصطلاحاً قلب راهنمایی محسوب می‌شود. راهنمایی جنبه پیشگیرانه دارد و مشاوره در وهله نخست بُعد درمانی دارد؛ بدین معنی که از طریق راهنمایی از بروز مشکلات جلوگیری می‌شود و مشاوره به حل مشکلات کمک می‌کند.



کج مثال ۴: راهنمایی بیشتر جنبه ..... دارد و مشاوره در وهله اول بُعد ..... دارد.

(۱) مشورتی - پیشگیرانه (۲) مشورتی - کنترلی (۳) پیشگیرانه - درمانی (۴) کنترلی - درمانی

پاسخ: گزینه «۳» راهنمایی جنبه پیشگیرانه دارد و مشاوره در وهله اول بُعد درمانی دارد؛ بدین معنی که از طریق راهنمایی از بروز مشکلات جلوگیری می‌شود و مشاوره به حل مشکلات کمک می‌کند.

### تفاوت‌های مشاوره با روان‌درمانی

بین مشاوره و روان‌درمانی نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. به نظر **بوهرلر**، روان‌درمانی فرایندی است که شیوه درست زیستن با خود و دیگران را به فرد می‌آموزد. البته به نظر پاترسون بین مشاوره و روان‌درمانی تفاوت مهم و اصلی وجود ندارد؛ زیرا هدف غایی هر دو، تأمین رشد مناسب و افزایش کارایی و بهبود تعامل فرد با دیگران است. به نظر **برامر** و **شوستروم** تفاوت بین مشاوره و روان‌درمانی بیش از آنکه کیفی باشد، کمی است. **تایلر** معتقد است که مشاوره کمک به افراد عادی است که هویت و شناخت روشنی از خود دارند و مشکلات آنان بیشتر ماهیت شناختی و جنبه تربیتی دارد؛ درحالی‌که از طریق روان‌درمانی به حل مشکلات و اختلالات عمیق شخصیتی اقدام می‌شود.

در مشاوره اولاً مسائل حاد عاطفی کمتر مطرح می‌شوند؛ ثانیاً نسبت به مراجع و نگرانی او نگرش مثبت بیشتری وجود دارد و ثالثاً مدت درمان کوتاه‌تر است. مشاوره به حل مشکلات رفتاری در افراد عادی کمک می‌کند و هدف پیشگیرانه، تربیتی و تسهیل رشد دارد؛ درحالی‌که روان‌درمانی به آن دسته از مشکلات رفتاری می‌پردازد که جنبه مرضی دارد و هدف آن بیشتر درمانی، سازگارانه و جبران‌کننده است.

در عمل، مشاوره و روان‌درمانی در اهداف، روش کار و نظریه‌های مورد استفاده تفاوت ندارند. تفاوت‌های مشاوره و روان‌درمانی در این موارد است:

۱- روان‌درمانی عمدتاً در موقعیت‌های درمانی و پزشکی صورت می‌گیرد، در صورتی که مشاوره بیشتر در مؤسسات تربیتی و حرفه‌ای انجام می‌پذیرد.

۲- روان‌درمانی یک فرایند بلندمدت است، در صورتی که مشاوره در کوتاه‌مدت هم عملی است.

۳- روان‌درمانی به تغییر شخصیت فرد می‌پردازد، در صورتی که مشاوره به فرد کمک می‌کند تا از توانمندی‌های خود برای سازگاری با محیط استفاده کند.

۴- روان‌درمانی به تبحر در تحلیل فرد همراه با مهارت‌های تشخیصی روان‌کاوانه نیازمند است، در صورتی که مشاوره مبتنی بر تبحر فرد برای تعیین اهداف است و بر مهارت‌های انسان‌گرایانه مبتنی است.

۵- روان‌درمانی با افرادی کار می‌کند که آسیب روانی دارند، در صورتی که مشاوره با افرادی سروکار دارد که مشکلات موقعیتی در زندگی یا مشکلاتی در یکی از مراحل رشد خود دارند.

کج مثال ۵: به عقیده تایلر، مشاوره برای کدام دسته از افراد مناسب‌تر است؟

(۱) افراد غیرعادی که مشکلات اخلاقی و تربیتی دارند. (۲) افراد عادی که مشکلات شناختی و تربیتی دارند.

(۳) افراد غیرعادی که مشکلات ارتباطی و شخصیتی دارند. (۴) افراد عادی که اختلالات عمیق شخصیتی دارند.

پاسخ: گزینه «۲» تایلر معتقد است که مشاوره کمک به افراد عادی است که هویت و شناخت روشنی از خود دارند و مشکلات آنان بیشتر ماهیت شناختی و جنبه تربیتی دارد؛ درحالی‌که از طریق روان‌درمانی به حل مشکلات و اختلالات عمیق شخصیتی اقدام می‌شود.

کج مثال ۶: کدام گزاره در مقایسه میان مشاوره و روان‌درمانی صحیح است؟

(۱) روان‌درمانی عمدتاً در موقعیت‌های درمانی و تربیتی صورت می‌گیرد، در صورتی که مشاوره بیشتر در کلینیک‌های پزشکی و حرفه‌ای انجام می‌پذیرد.

(۲) روان‌درمانی عمدتاً در موقعیت‌های درمانی و پزشکی صورت می‌گیرد، در صورتی که مشاوره بیشتر در مؤسسات تربیتی و حرفه‌ای انجام می‌پذیرد.

(۳) در عمل، مشاوره و روان‌درمانی در اهداف، روش کار و نظریه‌های مورد استفاده تفاوت‌های مهم دارند.

(۴) مشاوره به حل مشکلات شخصیتی در همه افراد کمک می‌کند؛ درحالی‌که روان‌درمانی به آن دسته از مشکلات رفتاری افراد عادی می‌پردازد که جنبه مرضی دارد.

پاسخ: گزینه «۲» در تمایز مشاوره و روان‌درمانی می‌توان گفت که مشاوره، به حل مشکلات رفتاری در افراد عادی کمک می‌کند و هدف پیشگیرانه، تربیتی و تسهیل رشد دارد؛ درحالی‌که روان‌درمانی به آن دسته از مشکلات رفتاری می‌پردازد که جنبه مرضی دارد و هدف آن بیشتر درمانی، سازگارانه و جبران‌کننده است. همچنین روان‌درمانی عمدتاً در موقعیت‌های درمانی و پزشکی صورت می‌گیرد، در صورتی که مشاوره بیشتر در مؤسسات تربیتی و حرفه‌ای انجام می‌پذیرد. با همه این اوصاف، در عمل، مشاوره و روان‌درمانی در اهداف، روش کار و نظریه‌های مورد استفاده تفاوت ندارند.

## اهداف راهنمایی و مشاوره


هدف راهنمایی آن است که فرد از رهگذر آن از وضع و امکاناتش آگاه گردد و براساس آن اهداف آینده‌اش را تعیین کند و با انجام اعمال مناسب، ابعاد وجودی‌اش را رشد دهد. هدف راهنمایی تأمین رشد متعادل و هماهنگ تمام ابعاد وجودی انسان است.


هدف دیگر راهنمایی این است که دانش‌آموزان به کمک آن، براساس ویژگی‌ها، توانایی‌ها و محدودیت‌های خود به انتخاب رشته‌های تحصیلی و شغلی بپردازند و به مطالعه دروسی تشویق شوند که یادگیری آنان برایشان سهل و ممکن است و موفقیت و سازگاری آنان را افزایش می‌دهد.

اهداف راهنمایی از نظر زمان به دو قسمت اهداف آنی یا نزدیک و اهداف غایی یا نهایی تقسیم می‌شود. **اهداف آنی یا نزدیک** راهنمایی بیشتر جنبه پیشگیری دارد و از طریق ارائه اطلاعات مناسب و موثق، فرد را با فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که باعث پیشرفت و موفقیت تحصیلی، شغلی و شخصی‌اش می‌گردد، آشنا می‌سازد و از اتلاف نیروهای مادی و معنوی جلوگیری می‌کند. انگیزه مراجعه فرد نزد مشاور و احساس نیاز او به کمک یک متخصص، از جمله اهداف آنی راهنمایی و مشاوره است. هدف‌های فوری یا آنی به علل مراجعه فرد به مشاور برای یافتن کمک و راه‌حل مربوط می‌شوند. هدف آنی یعنی هدف اولیه و فوری. در مشاوره و راهنمایی در هدف آنی کمک می‌شود که فرد به شناخت توانایی‌ها، علایق و محدودیت‌های خویش نائل شده و در صورت بروز مشکلاتی در زمینه‌های تحصیلی، خانوادگی و احیاناً شغلی و مالی موفق عمل کند.

**اهداف غایی یا نهایی** راهنمایی، فرد را به سوی **خودرهبی** سوق می‌دهند و او را برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری مناسب آماده می‌کنند؛ در واقع اهداف غایی، هدف‌های فلسفی هستند. اهداف آنی و نهایی راهنمایی از یکدیگر جدا نیستند، بلکه لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند. بعضی از متخصصان از اهداف میانی در مشاوره و راهنمایی نیز سخن گفته‌اند؛ هدف‌های میانی در واقع بیان‌کننده وضع عمومی دانش‌آموز در برخوردش با مشکلات می‌باشد.

درباره اهداف مشاوره بین متخصصان این رشته اتفاق نظر وجود ندارد؛ در عین حال تقریباً تمام مشاوران معتقدند که مشاوره باید به تغییر مناسب در رفتار مراجع به‌منظور ایجاد زندگی مفیدتر و رضایت‌بخش‌تر بینجامد. افزایش خودشناسی و رشد همه‌جانبه، آموزش شیوه‌های صحیح تصمیم‌گیری، برآوردن نیازها و حل مسئله، از اهداف مشاوره در آموزش و پرورش محسوب می‌شوند.

 **نکته ۳:** راجرز خودشناسی، درک عمیق خویش و سازگاری واقع‌بینانه با زندگی را از اهداف مهم مشاوره تلقی می‌کند.

 **مثال ۷:** اهداف غایی یا نهایی راهنمایی .....

(۱) بیشتر جنبه پیشگیری دارند.

(۲) از طریق ارائه اطلاعات مناسب و موثق، فرد را با فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که باعث پیشرفت و موفقیت تحصیلی، شغلی و شخصی‌اش می‌گردد، آشنا می‌سازند.


(۳) فرد را به سوی خودرهبی سوق می‌دهند.

(۴) همه موارد فوق صحیح هستند.

**پاسخ:** گزینه «۳» اهداف راهنمایی از نظر زمان به دو قسمت اهداف آنی یا نزدیک و اهداف غایی یا نهایی تقسیم می‌شود. اهداف آنی یا نزدیک راهنمایی، بیشتر جنبه پیشگیری دارد و از طریق ارائه اطلاعات مناسب و موثق، فرد را با فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که باعث پیشرفت و موفقیت تحصیلی، شغلی و شخصی‌اش می‌گردد آشنا می‌سازد و از اتلاف نیروهای مادی و معنوی جلوگیری می‌کند. اهداف غایی یا نهایی راهنمایی، فرد را به سوی خودرهبی سوق می‌دهند و او را برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری مناسب آماده می‌کنند. اهداف آنی و نهایی راهنمایی از یکدیگر جدا نیستند، بلکه لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند.

انگیزه فرد برای مشاور شدن اهمیت فراوانی دارد. این انگیزه بر وظیفه او به‌عنوان یک مشاور تأثیر بسزایی دارد. علی‌رغم اینکه احتمالاً این انگیزه به نظر اهمیت چندانی ندارد، اما برای مشاور مهم است که از انگیزه مشاور شدن خود و از نیازهایی که به‌عنوان یک مشاور قصد دارد از طریق مشاوره ارضا کند، آگاه باشد. این آگاهی باعث خواهد شد که از دخالت دادن نیازهای مشاور در فرایند مشاوره جلوگیری شود.

مشاور به‌منظور رفع نیازهای مراجع، باید درکی از اهداف و مقاصد فرایند مشاوره داشته باشد. اگر من قصد دارم که مشاور مؤثری باشم، پس باید بدانم که منظور از مؤثر بودن چیست. قضاوت در مورد این موضوع معمولاً ذهنی است و در این مورد دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد که عبارتند از: **دیدگاه مشاور و دیدگاه مراجع.**

 **نکته ۴:** احتمال دارد که برداشت مراجع از مؤثر بودن، متفاوت از برداشت مشاور باشد.

از نظر گلدارد، هدف مشاور این است که به مراجع بیاموزد و او را تشویق کند که **متکی به نفس** شود و نسبت به توانایی خود در اخذ تصمیمات، اعتمادبه‌نفس داشته باشد. برای مراجع مفید نیست که به نصیحت‌های مشاور وابسته شود. برای او بهتر است که متکی به نفس شود و شایستگی اخذ تصمیم و اعتماد کردن به تصمیماتش را پیدا کند.



به صلاح مشاور و مراجع است که باعث **تغییرات طولانی مدت** شوند، نه اینکه به حل مشکلات کوتاه‌مدت کنونی بپردازند. واضح است که مشاور احساس ناامیدی می‌کند، اگر مراجع هر بار با مشکل جدیدی که برایش پیش آمده به او مراجعه کند. اگر مشاور می‌خواهد از کارش احساس رضایت داشته باشد، باید مراجعان به صورتی رشد کنند، تغییر یابند و یاد بگیرند که تا حد امکان هرچه بیشتر بر خودشان تکیه کرده و با مشکلات سازش نمایند.

هدف مطلوب دیگر مشاوره این است که تغییرات را **با سرعت هرچه بیشتر**، در مراجع ایجاد کند. واضح است که یک مشاور زمانی تأثیرگذارتر است که تغییر در مراجع با سرعت بیشتری روی دهد، اگرچه می‌باید از خطر ایجاد تغییرات کوتاه‌مدت که مستمر نیستند و باعث می‌شوند که مراجع در سازش خود با بحران‌های آینده‌اش با شکست روبه‌رو شود نیز آگاه بود.

اغلب ممکن است که میان انتظارات مراجع و اهداف مشاور، ناهماهنگی وجود داشته باشد. همچنین راه‌های زیادی برای برخورد با این ناهماهنگی‌ها وجود دارد. البته یک راه این است که آنها را ندیده بگیریم و فقط بگذاریم فرایند مشاوره ادامه یابد؛ برخی مشاوران چنین می‌کنند. یک راه مفید این است که این ناهماهنگی‌ها را به‌طور واضح برای مراجع شرح دهیم و یک پیمان مشاوره‌ای را تشکیل دهیم که به‌صورت متقابل موردقبول طرفین باشد.

بنابراین رابطه بین مشاور و مراجع رابطه‌ای از نوع **قراردادی** است که این قرارداد دربرگیرنده این موارد می‌باشد: توافق روی محرمانه بودن مطالب بیان‌شده در جلسات، اهداف ویژه و کلی، روش‌های مورد استفاده مشاور و موضوعاتی که قرار است در مورد آنها بحث شود.

مختصر اینکه بسیاری از مشاوران نصیحت نمی‌کنند، مشکل‌گشایی نمی‌کنند و به دنبال راه‌حل‌های کوتاه‌مدت بدون دستیابی به اهداف بلندمدت نیستند. در عوض به مراجعان کمک می‌کنند تا از سردرگمی رها شوند و با انجام این کار به آنها امکان می‌دهند تا به کشف راه‌حل‌هایی بپردازند که با مشکلات آنها متناسب است.

به‌طور کلی، اهداف راهنمایی و مشاوره را می‌توان به صورت‌های زیر بیان کرد:

۱- تسهیل تغییر در رفتار مراجع ۲- توسعه مهارت‌های سازگاران ۳- افزایش کارایی شخصی مراجع ۴- کمک به تصمیم‌گیری مراجع ۵- تأمین بهداشت روانی مراجع ۶- توسعه روابط متقابل انسانی در مراجع ۷- ایجاد برداشت مثبت از خود، جهان و کشف معنای زندگی.

#### کج مثال ۸: هدف مشاور از ارائه مشاوره به مراجع چیست؟

- ۱) به مراجع بیاموزد و او را تشویق کند که متکی به نفس شود.
- ۲) مشکلات مراجع را تشخیص داده و آنها را درمان کند.
- ۳) به مراجع بیاموزد که او در واقع مشکلی ندارد، بلکه تعریفش از مسئله خاصی آن را به‌صورت مشکل پدیدار ساخته است.
- ۴) همه موارد فوق

پاسخ: گزینه «۱» هدف مشاور این است که به مراجع بیاموزد و او را تشویق کند که متکی به نفس شود و نسبت به توانایی خود در اخذ تصمیمات، اعتماد به نفس داشته باشد. برای مراجع مفید نیست که به نصیحت‌های مشاور وابسته شود. برای او بهتر است که متکی به نفس شود و شایستگی اخذ تصمیم و اعتماد کردن به تصمیماتش را پیدا کند.

#### کج مثال ۹: کدام گزاره صحیح نیست؟ بسیاری از مشاوران .....

- ۱) نصیحت نمی‌کنند.
- ۲) مشکل‌گشایی می‌کنند.
- ۳) به دنبال راه‌حل‌های کوتاه‌مدت بدون دستیابی به اهداف بلندمدت نیستند.
- ۴) به مراجعان کمک می‌کنند تا از سردرگمی رها شوند.

پاسخ: گزینه «۲» بسیاری از مشاوران نصیحت نمی‌کنند، مشکل‌گشایی نمی‌کنند و به دنبال راه‌حل‌های کوتاه‌مدت بدون دستیابی به اهداف بلندمدت نیستند. در عوض به مراجعان کمک می‌کنند تا از سردرگمی رها شوند و با انجام این کار به آنها امکان می‌دهند تا به کشف راه‌حل‌هایی بپردازند که با مشکلات آنها متناسب است.

### اصول راهنمایی و مشاوره

اصول راهنمایی و مشاوره، ماهیت عمل راهنمایی و مشاوره را روشن می‌سازند و فعالیت راهنمایی و مشاوره را جهت می‌دهند. انجام دادن خدمات راهنمایی و مشاوره در این زمینه‌ها مستلزم رعایت اصول اخلاقی است. **شرترز** و **استون** اصول زیر را برای خدمات راهنمایی ارائه می‌دهند:

- ۱- راهنمایی به رشد شخصی مراجع می‌پردازد. ۲- راهنمایی با فرایند رفتار مراجع سروکار دارد. ۳- راهنمایی بر ارزش مراجع و حق انتخاب او تأکید می‌کند. ۴- راهنمایی یک جریان پیوسته تربیتی است. ۵- راهنمایی مبتنی بر همکاری است.

با در نظر گرفتن جنبه‌های فلسفی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی انسان می‌توان اصول زیر را برای راهنمایی و مشاوره پیشنهاد کرد:



- ۱- راهنمایی و مشاوره محدود به یک دوره از رشد نیست و شامل تمام مراحل آن از کودکی تا پیری می‌شود. راهنمایی و مشاوره برای همه افراد و در تمام سنین انجام می‌گیرد. راهنمایی و مشاوره به فرد کمک می‌کند تا از ویژگی‌های هر مرحله رشد آگاه شود و متناسب با آن ویژگی‌ها بتواند در هر مرحله از آن به خوبی عمل کند و با کسب مهارت‌های لازم از عهده مشکلات مربوط به هر مرحله برآید.
- ۲- در راهنمایی و مشاوره به فرد کمک می‌شود تا خود را بشناسد و از توانایی‌ها و محدودیت‌های خود آگاه شود. پذیرش شأن آدمی به مشاوران کمک می‌کند تا بدون توجه به مشکلات مراجعان آنان را بپذیرند.
- ۳- راهنمایی با رشد همه‌جانبه و متعادل فرد در ابعاد جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی ارتباط دارد. راهنمایی تمام شئون زندگی از جمله حفظ سلامت، پیشرفت تحصیلی و حل مشکلات روانی، اجتماعی، شغلی و خانوادگی را دربر می‌گیرد و هیچ‌گاه به جنبه خاصی محدود نمی‌شود.
- ۴- راهنمایی بر خودشناسی صحیح و آگاهی فرد از توانایی‌ها و محدودیت‌هایش متکی است. راهنمایی زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که خصوصیات مراجع با استفاده از وسایل و ابزار معتبر و روش‌های دقیق به‌درستی شناخته شود.
- ۵- در راهنمایی و مشاوره باید متفاوت بودن مراجعان از نظر نیازها، انگیزه‌ها، توانمندی‌ها و استعدادها پذیرفته شود. بر این اساس خدمات راهنمایی و مشاوره باید متناسب با نیازها، انگیزه‌ها، توانمندی‌ها و استعداد مراجعان تدوین شود.
- ۶- در راهنمایی و مشاوره باید به تنوع فرهنگ‌ها و تفاوت زمینه اجتماعی و مذهبی مراجعان توجه شود. در راهنمایی و مشاوره تلاش می‌شود تا به مراجع در جهت بارور کردن ارزش‌های خویش کمک شود و هیچ‌گونه تحمیلی از طرف مشاوران صورت نمی‌گیرد.
- ۷- راهنمایی و مشاوره به افراد در زمینه کنترل خویشتن، انسان‌دوستی، محبت، حمایت، عشق و خداجویی کمک می‌کند تا آنان از نظر انسانی رشد کنند.
- ۸- در راهنمایی و مشاوره، فرایند تصمیم‌گیری به مراجعان آموزش داده می‌شود و به آنان کمک می‌شود تا براساس توانمندی‌ها و استعدادها و علایق خود به رشته تحصیلی و شغلی مناسبی بروند و در انتخاب خود به امکانات و فرصت‌های تحصیلی و شغلی و نیازهای اجتماعی توجه کنند و در انتخاب همسر، علایق، تناسب خانواده‌ها و ویژگی‌های شخصیتی یکدیگر را در نظر بگیرند.
- ۹- راهنمایی و مشاوره یک فعالیت جمعی است و با همکاری همه مؤسسات و نهادهای اجتماعی انجام می‌گیرد و در صورتی به بار می‌نشیند که مؤسسات و نهادهای مختلف اجتماعی به آن کمک کنند.
- ۱۰- راهنمایی مبتنی بر اعتقاد به آزادی، استقلال و ارزشمندی انسان است. فرد پس از شناخت خود، باید بتواند آزادانه تصمیم بگیرد. تصمیم‌گیری حق مسلم مراجع است و راهنما امکانات و اطلاعات لازم برای اتخاذ تصمیم را در اختیار مراجع قرار می‌دهد. این اصل به اصل طلایی مشاوره معروف شده است.
- ۱۱- راهنمایی بر همکاری و کمک متکی است نه بر تحکیم و اجبار؛ از این رو مشاور باید مراجعانی را که تمایل به راهنمایی و مشاوره ندارند، ابتدا از طریق ایجاد رابطه حسنه و پذیرش، به انجام کار ترغیب و تشویق کند.
- ۱۲- خانواده به‌عنوان مرکز ثقل سلامت فردی و اجتماعی باید مورد توجه مشاوران قرار گیرد. تدارک زمینه برای تشکیل خانواده و ایجاد رابطه مناسب در آن و تلاش برای رفع مشکلات خانوادگی از اهم وظایف مشاوران است.
- ۱۳- راهنمایی و مشاوره بر پیشگیری تأکید داشته و با افراد بهنجار سروکار دارد و به افراد در رشد و سازگاری درونی و بیرونی کمک می‌کند.
- ۱۴- راهنمایی و مشاوره بر نتایج تحقیقات متکی است و از آن برای شناخت و حل مشکلات مراجعان بهره می‌گیرد.



**نکته ۵:** یکی از اصول مهم در جریان مشاوره، برقراری رابطه حسنه، پذیرا و رازداری در رابطه مشاوره‌ای است.

**مثال ۱۰:** راهنمایی و مشاوره عمدتاً مربوط به کدام دوره سنی است؟

- (۱) کودکی (۲) نوجوانی و جوانی (۳) بزرگسالی (۴) همهٔ مراحل سنی

پاسخ: گزینه «۴» راهنمایی و مشاوره محدود به یک دوره از رشد نیست و شامل تمام مراحل آن از کودکی تا پیری می‌شود.

**مثال ۱۱:** کدام گزاره صحیح نیست؟

- (۱) راهنمایی یک جریان مداوم و مستمر تربیتی است.  
 (۲) راهنمایی به جنبه‌های خاصی از مسائل زندگی و ارتباطی محدود می‌شود.  
 (۳) راهنمایی بر خودشناسی صحیح و آگاهی فرد از توانایی‌ها و محدودیت‌هایش متکی است.  
 (۴) راهنمایی فعالیتی جمعی است و بر همکاری افراد، مؤسسات و نهادهای مبتنی می‌باشد.

پاسخ: گزینه «۲» راهنمایی با رشد همه‌جانبه و متعادل فرد در ابعاد جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی ارتباط دارد. راهنمایی تمام شئون زندگی از جمله حفظ سلامت، پیشرفت تحصیلی و حل مشکلات روانی، اجتماعی، شغلی و خانوادگی را دربر می‌گیرد و هیچ‌گاه به جنبه خاصی محدود نمی‌شود.



## انواع راهنمایی و مشاوره

راهنمایی و مشاوره از دیدگاه‌های گوناگون به انواعی تقسیم می‌شود. راهنمایی و مشاوره از نظر موضوع به انواع تحصیلی، شغلی، خانوادگی و بهداشتی تقسیم می‌گردد. در صورتی که اجرا مدنظر باشد، راهنمایی و مشاوره به فردی و گروهی تقسیم می‌شود.

**راهنمایی و مشاوره تحصیلی:** مجموعه خدمات و فعالیت‌های یاورانه علمی، منظم و سازمان‌یافته‌ای است که به وسیله آن به دانش‌آموزان در زمینه شناسایی و انتخاب واحدهای درسی و رشته تحصیلی مناسب، اطلاع از قوانین و مقررات آموزشی و انضباطی، شناسایی توانایی‌ها و محدودیت‌ها و آشنایی با مهارت‌های تحصیلی یاری می‌شوند. هدف نهایی راهنمایی تحصیلی، **کسب موفقیت تحصیلی** دانش‌آموزان است.

**نکته ۶:** راهنمایی تحصیلی مقدمه راهنمایی شغلی است.

**راهنمایی و مشاوره شغلی:** راهنمایی شغلی به فرد کمک می‌کند تا پس از شناخت استعدادها و رغبت‌ها و نیز محدودیت‌های خود، شغل مناسبی را برگزیند، با طی دوره‌های آموزشی برای انجام آن آماده شود و با موفقیت آن را ادامه دهد؛ به طوری که علاوه بر تأمین نیازهای مادی، از نظر روانی نیز ارضا شود. برای نیل به این اهداف، مطالعه و شناخت خصوصیات فرد و نیز آشنایی با امکانات و نیازها و ویژگی‌های مشاغل ضرورت دارد. راهنمایی شغلی، در نهایت به انتخاب شغل مناسب توسط فرد می‌انجامد.

**راهنمایی و مشاوره خانوادگی:** از طریق راهنمایی خانوادگی، روابط سالم و متعادل بین اعضای خانواده برقرار می‌شود و آرامش و آسایش آنان تأمین می‌گردد. از طریق راهنمایی خانوادگی با ارائه روش‌های صحیح تربیتی به ایجاد تعادل و رابطه سالم و سازنده بین اعضای خانواده اقدام می‌شود.

**راهنمایی و مشاوره بهداشتی:** راهنمایی بهداشتی به منظور تأمین سلامت جسمی و روانی اعمال می‌شود و هدفش پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های جسمی - روانی است.

### راهنمایی و مشاوره فردی و گروهی

راهنمایی و مشاوره به دو صورت فردی یا گروهی انجام می‌شود. در راهنمایی و مشاوره فردی، یک نفر به تنهایی از طرف راهنما و مشاور مورد راهنمایی و مشاوره قرار می‌گیرد؛ در حالی که در راهنمایی و مشاوره گروهی تعداد کمک‌گیرندگان در هر جلسه از یک نفر بیشتر است و اعضای گروه برای رسیدن به هدف یا اهداف معین و مشخصی در یک زمان و در یک مکان گرد هم می‌آیند و درباره موضوع مشخصی بحث می‌کنند. افراد شرکت‌کننده در جلسه راهنمایی گروهی مشکل عاطفی و روانی خاصی ندارند و صرفاً درصدد کسب اطلاعات گوناگون در زمینه‌های متعدد تربیتی، تحصیلی، شغلی، اجتماعی، بهداشتی و خانوادگی هستند. راهنمایی گروهی موجب افزایش دانش و بینش اعضای گروه در زمینه‌های گوناگون می‌گردد. از این‌رو، این‌گونه راهنمایی در وهله اول از بروز مشکلات استفاده از آن موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه است و حداکثر بهره‌گیری از امکانات محدود را ممکن می‌سازد.

به‌طور کلی می‌توان گفت مشاوره گروهی یک سلسله فعالیت‌های سازمان‌یافته و تعامل بین افراد گروه است که در یک زمان و در یک مکان به خاطر حل مشکلی معین یا گفتگو درباره مسائل متعدد انجام می‌گیرد. مشاوره گروهی باعث می‌شود تا فرد خود را آن‌گونه که هست بپذیرد و رابطه خود را با اطرافیان بهبود بخشد. چون اعضای مشاوره گروهی - برخلاف راهنمایی گروهی - معمولاً مسئله و مشکلی دارند، از این جهت هدف مشاوره گروهی در وهله اول متوجه حل مشکل است.

مشاوره گروهی در مقایسه با مشاوره فردی، اولاً از نظر زمان و هزینه مقرون‌به‌صرفه است؛ ثانیاً اعضای گروه رفتارهای جدیدی را از سایرین در گروه می‌آموزند و به انتقاد سازنده از خود و دیگران می‌پردازند؛ ثالثاً عکس‌العمل‌های اعضا نسبت به یکدیگر به مراتب بیشتر از مشاوره فردی است که به نوبه خود موجب کسب بینش بیشتر می‌گردد؛ رابعاً در مشاوره گروهی اعضا درمی‌یابند که مشکل آنان منحصر به فرد نیست و دیگران نیز مشکلات مشابهی دارند؛ این امر، از مقاومت مراجع در جریان درمان می‌کاهد. در عین حال باید بدانیم که برخی مشکلات حاد و شدید به‌سادگی در گروه قابل طرح نیستند و عده‌ای نیز از مشاوره گروهی آن طوری که باید و شاید سود نمی‌برند.

**نکته ۷:** لازم به یادآوری است که مشاور در انجام راهنمایی و مشاوره، بنابر ضرورت معمولاً از تمام انواع آن توأمأ استفاده می‌کند.

### مثال ۱۲: هدف نهایی راهنمایی تحصیلی چیست؟

(۲) تطبیق دانش‌آموز یا دانشجو با مدرسه یا دانشگاه

(۱) کسب موفقیت تحصیلی

(۴) پرورش استعدادها و دانش‌آموز یا دانشجو

(۳) تطبیق برنامه‌های درسی با نیازها و شرایط دانش‌آموزان و دانشجویان

**پاسخ:** گزینه «۱» راهنمایی و مشاوره تحصیلی، مجموعه خدمات و فعالیت‌های یاورانه علمی، منظم و سازمان‌یافته‌ای است که بدان وسیله به دانش‌آموزان در زمینه شناسایی و انتخاب واحدهای درسی و رشته تحصیلی مناسب، اطلاع از قوانین و مقررات آموزشی و انضباطی، شناسایی توانایی‌ها و محدودیت‌ها و آشنایی با مهارت‌های تحصیلی یاری می‌شود. هدف نهایی راهنمایی تحصیلی، کسب موفقیت تحصیلی است.



کجه مثال ۱۳: مراحل اجرای راهنمایی شغلی به ترتیب عبارتند از:

- (۱) آموزش، گزینش، اشتغال (۲) گزینش، آموزش، اشتغال (۳) گزینش، اشتغال، آموزش (۴) اشتغال، آموزش، گزینش

پاسخ: گزینه «۲» مراحل اجرای راهنمایی شغلی به ترتیب عبارتند از: گزینش (یا انتخاب)، آموزش و اشتغال. بدین معنی که فرد ابتدا براساس توانایی‌ها و امکانات - مخصوصاً با توجه به استعداد و رغبت - شغلی را انتخاب می‌کند. انتخاب صحیح به آگاهی و اطلاعات وسیع نیاز دارد و راهنمایی شغلی چنین هدفی را برآورده می‌سازد. پس از گزینش و انتخاب، مرحله آموزش یعنی آماده‌سازی فرد به صورت عملی و نظری برای اشتغال انجام می‌شود؛ این مرحله در هیچ شغلی قابل حذف نیست و مدت زمان آن بستگی به سادگی یا پیچیدگی شغل دارد. پس از گذراندن دوره آموزش، اشتغال فرد آغاز می‌شود.

کجه مثال ۱۴: هدف از راهنمایی و مشاوره بهداشتی چیست؟

- (۱) آموزش بهداشت فردی و ارتباطی

- (۲) کمک به فرد در نیل به استقلال عمل در مواجهه با بیماری‌های جسمی و روانی

- (۳) پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های جسمی - روانی

- (۴) کمک به مراجع در چگونگی برخورد با بیماری و اتخاذ تصمیمات مناسب در مراحل مختلف درمان

پاسخ: گزینه «۳» راهنمایی بهداشتی نوع دیگری از راهنمایی است که به منظور تأمین سلامت جسمی و روانی اعمال می‌شود و هدف آن پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های جسمی - روانی است.

کجه مثال ۱۵: راهنمایی گروهی در وهله اول حائز چه نقشی است؟

- (۱) پیشگیری از بروز مشکلات (۲) درمان سطحی مشکلات (۳) درمان عمقی اختلالات (۴) صرفه‌جویی در وقت و هزینه

پاسخ: گزینه «۱» راهنمایی گروهی موجب افزایش دانش و بینش اعضای گروه در زمینه‌های گوناگون می‌گردد. از این رو، این گونه راهنمایی در وهله اول نقش پیشگیری از بروز مشکلات را دارد و استفاده از آن موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه می‌شود و حداکثر بهره‌گیری از امکانات محدود را ممکن می‌سازد.

## الگوهای راهنمایی

الگوهای راهنمایی به سه قسمت اولیه، ثانویه و معاصر تقسیم می‌شوند. الگوهای اولیه راهنمایی شامل الگوی پارسونزی و مشابه با آموزش و پرورش می‌باشند. الگوهای ثانویه راهنمایی روش‌های توزیع و سازگاری، بالینی، تصمیم‌گیری و انتخابی را دربر می‌گیرند. الگوهای معاصر راهنمایی عبارتند از: مجموعه خدمات رشدی، دانش عمل هدف‌دار، بازسازی اجتماعی و رشد تخصصی. در ادامه به بررسی این الگوها پرداخته می‌شود.

کجه مثال ۱۶: کدام یک از الگوهای زیر جزو الگوهای معاصر راهنمایی است؟

- (۱) الگوی مشابه با آموزش و پرورش (۲) الگوی توزیع و سازگاری (۳) الگوی بالینی (۴) الگوی بازسازی اجتماعی

پاسخ: گزینه «۴» الگوهای معاصر راهنمایی عبارتند از: مجموعه خدمات رشدی، دانش عمل هدف‌دار، بازسازی اجتماعی و رشد تخصصی.

## ۱- الگوی پارسونزی

فرانک پارسونز، پدر نهضت راهنمایی شغلی، اولین بار در سال ۱۹۰۸ میلادی، اصطلاح راهنمایی شغلی را به کار بست. به نظر او، برای انتخاب صحیح و مناسب شغل، توانایی‌ها و امکانات فرد باید با خصوصیات مشاغل منطبق باشند. بدین لحاظ، در راهنمایی شغلی باید سه فعالیت مهم زیر صورت بگیرد:

۱- مشاور، باید مراجع را در تجزیه و تحلیل توانایی‌ها، رغبت‌ها و خلق و خوی خود، یاری دهد.

۲- مشاور باید مراجع را با خصوصیات مشاغل، فرصت‌های اشتغال، مقررات استخدامی و دورنمای رشته‌های متعدد شغلی آشنا کند.

۳- مشاور و مراجع به مقایسه و انطباق منطقی خصوصیات شخصی مراجع با ویژگی‌های شغلی می‌پردازد و پس از تعیین رابطه بین خصوصیات فردی و ویژگی‌های شغلی، مشاغل را به مراجع پیشنهاد می‌دهند.

براساس این الگو، قبل از استخدام باید تحلیل و شناخت خصوصیات فردی انجام پذیرد و افراد بدون راهنمایی و شناخت قبلی، به کار گمارده نشوند.

تأکید بر فردشناسی در این الگو موجب شد به تدریج ابزارهای سنجش و آزمون‌های عینی تهیه گردد. این الگو با محدودیت‌هایی مواجه بود که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: استفاده از آن قبل از ارزیابی کافی، عمل بر روی جمعیتی کم و در زمانی کوتاه، نامشخص بودن محتوای درسی آموزش مشاوران، تفکیک راهنمایی شغلی از دیگر انواع راهنمایی، ساده جلوه دادن راهنمایی شغلی در حد ارائه اطلاعات از طریق چند بروشور یا جزوه شغلی و نادیده گرفتن ارزش‌ها و انگیزه‌های فرد.



### کج مثال ۱۷: کدام مورد جزو محدودیت‌های الگوی پارسونزی راهنمایی نیست؟

- (۱) استفاده از آن قبل از ارزیابی کافی  
 (۲) پیچیده جلوه دادن راهنمایی شغلی  
 (۳) نامشخص بودن محتوای درسی آموزش مشاوران  
 (۴) نادیده گرفتن ارزش‌ها و انگیزه‌های فرد

پاسخ: گزینه «۲» این الگو با محدودیت‌هایی مواجه بود که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: استفاده از آن قبل از ارزیابی کافی، عمل بر روی جمعیتی کم و در زمانی کوتاه، نامشخص بودن محتوای درسی آموزش مشاوران، تفکیک راهنمایی شغلی از دیگر انواع راهنمایی، ساده جلوه دادن راهنمایی شغلی در حد ارائه اطلاعات از طریق چند بروشور یا جزوه شغلی و نادیده گرفتن ارزش‌ها و انگیزه‌های فرد.

### ۲- الگوی راهنمایی مشابه آموزش و پرورش

الگوی راهنمایی مشابه آموزش و پرورش، اولین بار توسط پروتر استاد دانشگاه هاروارد، مطرح گردید. اصطلاح راهنمایی تحصیلی، اولین بار توسط کلی در سال ۱۹۱۴ میلادی، به‌عنوان فعالیتی برای کمک به دانشجویان در زمینه انتخاب رشته‌ها و برنامه‌های درسی ارائه گردید. طبق این دیدگاه، آموزش و پرورش باید اولاً دانش‌آموزان را برای مشارکت در فعالیت‌های معنادار زندگی آماده سازد؛ ثانیاً راهنمایی با آموزش و پرورش از نظر هدف، روش و نتایج تفاوتی ندارد و هر دو مشابه هستند. اگر اهداف آموزش و پرورش تأمین سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان، تحکیم مبانی خانواده، کمک به انتخاب شغل مناسب، استفاده صحیح از اوقات فراغت، رعایت حقوق دیگران و پرورش سجایای اخلاقی باشد، راهنمایی نیز درصدد تحقق همین موارد است. راهنما که انسان مجرب و دلسوزی است، فرد را برای حل مشکلات و انجام وظایف و یادگیری تجربیات جدید و در نهایت خودرهبی آماده می‌سازد. ابتدا راهنمایی مفهوم محدودی داشت و فقط راهنمایی شغلی را دربر می‌گرفت. ارائه این الگو دامنه راهنمایی را گسترش داد و راهنمایی فرد را در کل موقعیت‌های زندگی که با احتیاجات فرد هماهنگ باشد، ضروری دانست. در صورت اجرای این الگو، موضوعات راهنمایی را می‌توان از طریق برنامه‌های آموزش روزانه در کلاس‌های گوناگون همچون سایر دروس به دانش‌آموزان آموزش داد. از دیدگاه برخی متخصصان، ادغام فعالیت‌های راهنمایی با جنبه‌های آموزشی و اداری مدرسه موجب می‌گردد که ارائه اطلاعات به دانش‌آموزان و ارزشیابی ایشان به طور ناقص انجام پذیرد.

### کج مثال ۱۸: اصطلاح راهنمایی تحصیلی اولین بار توسط چه کسی ارائه گردید؟

- (۱) پروتر (۲) کلی (۳) پارسونز (۴) پراکتور

پاسخ: گزینه «۲» اصطلاح راهنمایی تحصیلی، اولین بار توسط کلی در سال ۱۹۱۴ میلادی، به‌عنوان فعالیتی برای کمک به دانشجویان در زمینه انتخاب رشته‌ها و برنامه‌های درسی ارائه گردید.

### ۳- الگوی راهنمایی به‌عنوان توزیع و سازگاری

الگوی راهنمایی به‌عنوان توزیع و سازگاری را در سال ۱۹۲۰ میلادی، ویلیام پراکتور که راهنمایی را عامل واسطه‌ای در کمک به دانش‌آموزان برای مواجهه با فشارهای زندگی و مدرسه می‌دانست، مطرح کرد. در حدود سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۷، پراکتور مفهوم راهنمایی را از عامل واسطه‌ای به جریان توزیع و سازگاری تغییر داد؛ یعنی مشاور از طریق توزیع و ارائه اطلاعات به دانش‌آموز کمک می‌کند تا اهداف شغلی، تحصیلی و اجتماعی خود را بشناسد و با فرصت‌های تحصیلی و شغلی آشنا گردد. در این الگو از طریق ارائه اطلاعات زیاد، به دانش‌آموز کمک می‌شود تا به خودشناسی وسیعی برسد. در صورتی که مراجع نتواند با توجه به اهدافش، بین خصوصیات خویش و محیط، تلفیقی به وجود آورد، برای سازگاری به یاری و کمک مشاور نیاز خواهد داشت. راهنمایی به‌عنوان توزیع و سازگاری به فرد کمک می‌کند تا در فعالیت‌های مکمل برنامه مدرسه نقش فعالی داشته باشد و اطلاعات وسیعی درباره استعدادها و رغبت‌های خود، برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه، فرصت‌های تحصیلی و شغلی جامعه و در نهایت کسب سازگاری بیشتر به دست آورد. این الگو دانش‌آموز را در خودشناسی و شناخت محیط و تصمیم‌گیری درست یاری می‌دهد. محدودیت این الگو در آن است که اکثر برنامه‌های آموزشی، با استعدادها و اهداف دانش‌آموزان تناسبی ندارد. همچنین استفاده از آن محدود به زمانی می‌شود که دانش‌آموز مشکلی داشته و سازگاری او مختل شده باشد.

### کج مثال ۱۹: ویلیام پراکتور، راهنمایی را ..... می‌دانست.

- (۱) فعالیتی برای کمک به دانشجویان در زمینه انتخاب رشته‌ها و برنامه‌های درسی  
 (۲) عامل واسطه‌ای در کمک به دانش‌آموزان برای مواجهه با فشارهای زندگی و مدرسه  
 (۳) آموزش رعایت حقوق دیگران در دانش‌آموزان و پرورش سجایای اخلاقی در آنان  
 (۴) کمکی که به انتخاب‌ها و سازگاری‌های معقول و در نهایت حل مشکلات در موقعیت‌های حساس می‌انجامد و باعث تداوم رشد و نیل به خودرهبی می‌گردد

پاسخ: گزینه «۲» ویلیام پراکتور راهنمایی را عامل واسطه‌ای در کمک به دانش‌آموزان برای مواجهه با فشارهای زندگی و مدرسه می‌دانست.

**پاسخنامه آزمون‌های خودسنجی**  
**« مبانی مشاوره و راهنمایی »**

**آزمون (۱)**

۵- گزینه «۴»	۴- گزینه «۴»	۳- گزینه «۱»	۲- گزینه «۱»	۱- گزینه «۱»
۱۰- گزینه «۳»	۹- گزینه «۱»	۸- گزینه «۲»	۷- گزینه «۲»	۶- گزینه «۲»
۱۵- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۱»	۱۳- گزینه «۱»	۱۲- گزینه «۳»	۱۱- گزینه «۴»
۲۰- گزینه «۱»	۱۹- گزینه «۱»	۱۸- گزینه «۳»	۱۷- گزینه «۴»	۱۶- گزینه «۴»
۲۵- گزینه «۱»	۲۴- گزینه «۳»	۲۳- گزینه «۴»	۲۲- گزینه «۱»	۲۱- گزینه «۳»

**آزمون (۲)**

۵- گزینه «۴»	۴- گزینه «۳»	۳- گزینه «۲»	۲- گزینه «۳»	۱- گزینه «۱»
۱۰- گزینه «۱»	۹- گزینه «۴»	۸- گزینه «۱»	۷- گزینه «۲»	۶- گزینه «۴»
۱۵- گزینه «۲»	۱۴- گزینه «۲»	۱۳- گزینه «۳»	۱۲- گزینه «۱»	۱۱- گزینه «۲»
۲۰- گزینه «۴»	۱۹- گزینه «۳»	۱۸- گزینه «۲»	۱۷- گزینه «۳»	۱۶- گزینه «۲»
۲۵- گزینه «۴»	۲۴- گزینه «۱»	۲۳- گزینه «۳»	۲۲- گزینه «۱»	۲۱- گزینه «۳»

**آزمون (۳)**

۵- گزینه «۴»	۴- گزینه «۴»	۳- گزینه «۲»	۲- گزینه «۴»	۱- گزینه «۳»
۱۰- گزینه «۱»	۹- گزینه «۳»	۸- گزینه «۴»	۷- گزینه «۴»	۶- گزینه «۱»
۱۵- گزینه «۲»	۱۴- گزینه «۳»	۱۳- گزینه «۴»	۱۲- گزینه «۱»	۱۱- گزینه «۲»
۲۰- گزینه «۲»	۱۹- گزینه «۴»	۱۸- گزینه «۱»	۱۷- گزینه «۱»	۱۶- گزینه «۴»
۲۵- گزینه «۲»	۲۴- گزینه «۳»	۲۳- گزینه «۲»	۲۲- گزینه «۱»	۲۱- گزینه «۳»

**پاسخنامه آزمون‌های خودسنجی**  
**« مبانی مشاوره و راهنمایی »**

**آزمون (۱)**

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۲»	۱۰- گزینه «۱»
۱۱- گزینه «۴»	۱۲- گزینه «۲»	۱۳- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۲»	۱۵- گزینه «۱»
۱۶- گزینه «۱»	۱۷- گزینه «۲»	۱۸- گزینه «۳»	۱۹- گزینه «۲»	۲۰- گزینه «۲»

**آزمون (۲)**

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۲»
۱۱- گزینه «۳»	۱۲- گزینه «۲»	۱۳- گزینه «۲»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۳»
۱۶- گزینه «۲»	۱۷- گزینه «۱»	۱۸- گزینه «۱»	۱۹- گزینه «۱»	۲۰- گزینه «۳»

**آزمون (۳)**

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۲»
۱۱- گزینه «۳»	۱۲- گزینه «۱»	۱۳- گزینه «۲»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۲»
۱۶- گزینه «۴»	۱۷- گزینه «»	۱۸- گزینه «۳»	۱۹- گزینه «۲»	۲۰- گزینه «۳»